

# جایگاه افغانستان و قرقیزستان در راهبرد آمریکا در منطقه هارتلند جدید

نویسندگان: احمد جالینوسی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱۰

اعظم خانی (ولدانی)\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۱۵

## چکیده

منطقه اوراسیا، به خصوص حوزه هارتلند جدید شامل حوزه خزر - خلیج فارس به همراه کل منطقه خاورمیانه، از اهمیت راهبردی، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در معادلات جهانی برخوردار است. در این میان ایالات متحده آمریکا برای افزایش نفوذ خود در منطقه هارتلند جدید، هدفی اساسی یعنی کنترل روسیه، چین و ایران را مد نظر قرار داده است. نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز، آمریکا را یک گام به اهداف خود نزدیک نموده است. کشور قرقیزستان به دلیل همسایگی با چین و روسیه و وجود پایگاه نظامی ماناس در این کشور و استفاده از آن بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در جهت حمل و انتقال نیرو و تجهیزات نظامی به افغانستان، فرصت کنترل رقبای مذکور را برای آمریکا فراهم نموده است. بنابراین می توان دریافت دو کشور افغانستان و قرقیزستان از رابطه تنگاتنگ و متقابلی در راهبرد آمریکا برای مقابله با رقبای خود برخوردار می باشند که تبیین نقش یکی از این دو کشور بدون دیگری امکان پذیر نمی باشد. اما فروپاشی انقلاب لاله ای قرقیزستان در آوریل ۲۰۱۰ را می توان به عنوان عامل گسستی در رابطه دوسویه افغانستان و قرقیزستان محسوب نمود. سوال اصلی مقاله حاضر این است که چالش ها و مواضع جدید ایالات متحده آمریکا برای نفوذ در منطقه هارتلند جدید و متعاقباً کنترل کشورهای روسیه، چین و ایران، بعد از فروپاشی انقلاب لاله ای قرقیزستان در آوریل ۲۰۱۰ چیست؟

واژگان کلیدی: هارتلند جدید، افغانستان، قرقیزستان، فروپاشی انقلاب لاله، ایالات متحده، چالش ها، مواضع

drdjalinoosi@yahoo.com

\* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

A-khani100@yahoo.com

\*\* فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی اصفهان

فصلنامه مطالعات منطقه ای: آمریکاشناسی - اسرائیل شناسی، سال چهاردهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۸-۱.

اوراسیا به‌عنوان بزرگ‌ترین بخش سرزمینی جهان همواره دارای اهمیت ژئوپلیتیکی بوده است. منطقه اوراسیا جمهوری‌های پیشین اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای منطقه بالکان، کشورهای بلوک شرق سابق در اروپای مرکزی و نیز کشورهای ایران، ترکیه، چین، هندوستان، پاکستان و افغانستان را دربر می‌گیرد. با پایان جنگ سرد شاهد احیای مفهوم هارتلند جدید در نظریات ژئوپلیتیکی هستیم. دو حوزه خزر - خلیج فارس به‌همراه کل منطقه خاورمیانه، در میان استراتژیست‌های غربی به هارتلند جدید تعبیر گردیده است. در این میان آمریکا با اقدامات مختلفی سعی نموده است نفوذ خود را در این حوزه گسترش دهد. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ این فرصت را برای این کشور فراهم نمود تا به بهانه مقابله با تروریسم و جلوگیری از گسترش آن به حوزه آسیای مرکزی و قفقاز، حضور خود را در حوزه خزر - خلیج فارس افزایش و رقبای خود به‌خصوص روسیه، چین و ایران را تحت فشار قرار دهد. بسیاری از تحلیلگران حضور آمریکا در افغانستان را در راستای پیوند منافع این کشور در خلیج فارس و آسیای مرکزی قلمداد نموده‌اند.

در جریان حمله به افغانستان، بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی حمایت خود را برای استفاده از امکانات خود برای جنگ علیه تروریسم اعلام نمودند. در این میان پایگاه نظامی ماناس قرقیزستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به‌عنوان دروازه ورود برای نیروهای آمریکایی محسوب می‌گردد. پس از استقلال قرقیزستان و یک سال قبل از آن؛ یعنی در سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵، عسگر آقایف ریاست جمهوری این کشور را برعهده داشت که سرانجام توسط مخالفان و با حمایت‌های آمریکا در تظاهرات ۲۴ مارس ۲۰۰۵ موسوم به انقلاب لاله‌ای، دولت وی سقوط کرد و قربان بیک باقی‌اف به ریاست جمهوری این کشور رسید. فساد اداری، مالی، سرکوب مخالفان، و افزایش بهای خدمات عمومی در دوران وی، موج جدیدی از اعتراضات را علیه وی به‌رهبری رزا اتانبايوا موجب شد که سرانجام در تظاهرات گسترده شش تا هشت آوریل ۲۰۱۰ و تصرف نهادهای دولتی، شاهد سقوط دولت باقی‌اف و فروپاشی انقلاب لاله‌ای هستیم.

باقی‌اف متمایل به غرب و آمریکا بود و بنابراین آمریکا با موانع چندانی جهت فعالیت در پایگاه نظامی ماناس مواجه نبود. لذا با عنایت به مطالب فوق سوالات این پژوهش عبارتند از:

یک. موقعیت افغانستان پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در راهبرد ایالات متحده آمریکا جهت نفوذ در منطقه هارتلند جدید و کنترل روسیه، چین و ایران چیست؟

دو. قرقیزستان از چه جایگاهی در راهبرد ایالات متحده آمریکا جهت نفوذ در منطقه هارتلند جدید و کنترل روسیه، چین و ایران برخوردار است؟

سه. چالش‌ها و مواضع جدید ایالات متحده آمریکا جهت نفوذ در منطقه هارتلند جدید و کنترل روسیه، چین و ایران، بعد از فروپاشی انقلاب لاله‌ای قرقیزستان در آوریل ۲۰۱۰ چیست؟

به نظر می‌رسد با سقوط باقی‌اف و فروپاشی انقلاب لاله‌ای قرقیزستان، عواملی همچون به‌وجود آمدن فرصت برای گروه‌های اسلامی قرقیزستان جهت مبارزه با حضور نظامی آمریکا در کشورشان، بی‌اعتمادی افکار عمومی قرقیزستان به آمریکا به دلیل اولویت نظامی‌گری بر دموکراسی‌خواهی برای این کشور و جهت‌گیری بیشتر دولت جدید قرقیزستان به روسیه، آمریکا را در اهداف خود در منطقه هارتلند جدید؛ یعنی نفوذ در حوزه خلیج فارس - خزر و همچنین کنترل روسیه، چین و ایران، با چالش مواجه نموده باشد و این کشور را به اتخاذ مواضع جدیدی متمایل نموده و یا بنماید.

۳

### یک. جایگاه اوراسیا در راهبرد ایالات متحده آمریکا

در چارچوب اهمیت اوراسیا نظریه‌های مختلفی از سوی استراتژیست‌هایی همچون مکیندر، اسپایکمن، برژینسکی، هانتینگتون و دیگران مطرح گردیده است. به اعتقاد برژینسکی حدود ۷۵ درصد از جمعیت جهان در اوراسیا زندگی می‌کنند و بخش قابل توجهی از ثروت فیزیکی جهان، چه در بنگاه‌های اقتصادی و چه در زیر زمین در این منطقه واقع شده است. اوراسیا ۶۰ درصد از تولید جهانی و سه چهارم از منابع شناخته شده سوخت جهان را دربر گرفته است. وی اعتقاد دارد که منافع اساسی آمریکا بر این قرار گرفته تا نگذارد هیچ قدرتی به صورت انحصاری این فضای جغرافیایی سیاسی را تحت کنترل داشته باشد.<sup>۱</sup> مکیندر نیز نظریه هارتلند یا قلب زمین را ارایه نموده است. بر اساس این نظریه هر دولتی که بر هارتلند حاکم باشد، بر جهان مسلط خواهد شد. از نظر وی اوراسیا هارتلند است که از اروپای شرقی تا جلگه‌های سیبری امتداد می‌یابد. دقیقاً به این خاطر بود که آمریکا در جنگ جهانی دوم مداخله نمود.

پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا طبق نظر اسپایکمن، مصمم به حفظ حضور نظامی دائمی خود در تمام ریملند اوراسیا (شامل غرب اروپا، حاشیه اقیانوس آرام، شرق میانه، شرق آسیا) برآمد که از آن به «راهبرد مهار» یاد می‌شود؛ دیدگاهی که منجر به شکل‌گیری ناتو (۱۹۴۹)، طرح مارشال، سیتو (سازمان همکاری کشورهای جنوب شرقی آسیا در ۱۹۵۴)، سنتو (سازمان پیمان مرکزی در ۱۹۵۵) و ائتلاف‌های نظامی آمریکا با ژاپن و تایوان گردید.

با پایان جنگ سرد، راهبرد نظامی آمریکا در چارچوب ریملند مبتنی بر خروج نیروهای آمریکایی از شرق آسیا و اروپا به سمت ایجاد نیروهایی در منطقه جنوب اروپای مرکزی و تاسیس پایگاه‌های جدید نظامی در منطقه خلیج فارس و آسیای مرکزی متمایل شد.<sup>۲</sup> با افزایش اهمیت این دو حوزه (خزر - خلیج فارس) در معادلات جهانی شاهد احیای مفهوم هارتلند جدید در نظریات ژئوپلیتیکی هستیم. طی این روند آمریکا با رهنامه‌ها و طرح‌های مختلفی سعی نموده است نفوذ خود را در این حوزه گسترش دهد که از جمله آن می‌توان به رهنامه «نظم نوین جهانی» و طرح «خاورمیانه بزرگ و جدید» اشاره نمود. در این خصوص واشنگتن به‌شدت نگران روسیه، چین و ایران است. هر سه این کشورها از توانایی کافی برای آسیب‌زدن به منافع آمریکا برخوردارند. واشنگتن درصدد است برای سلطه بر هارتلند جدید سه قدرت مذکور را به انزوای راهبردی بکشانند.

## دو. اهمیت هارتلند جدید در راهبرد ایالات متحده آمریکا

آمریکا درصدد افزایش سلطه خود بر دو حوزه خلیج فارس و آسیای مرکزی بوده است. این دو حوزه به همراه کل منطقه خاورمیانه، در میان استراتژیست‌های غربی به هارتلند جدید تعبیر گردیده است. این ناحیه بخش جنوبی هارتلند مکیندر و بخشی از ریملند اسپایکمن را شامل می‌گردد. ویژگی هارتلند جدید علاوه بر اهمیت راهبردی و ژئوپلیتیکی آن بیشتر به دلیل منابع عظیم اقتصادی آن یعنی نفت و گاز است.<sup>۳</sup> با توجه به اهمیت دریای خزر و خلیج فارس برای آمریکا و دیگر کشورهای قدرتمند، جفری کمپ، مجموعه سرزمین‌های در برگیرنده خلیج فارس و دریای خزر را منطقه «بیضی شکل انرژی راهبردی» نام داده است. خط کناری این منطقه بیضی شکل در سوی شرق از کنار مرزهای ایران و افغانستان می‌گذرد.<sup>۴</sup>

حوزه خلیج فارس یکی از مناطق راهبردی جهان است. خلیج فارس سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا را به هم پیوند می‌دهد. خلیج فارس در گذشته به علت نزدیکی به شوروی و ارتباط این آبراه به دریای عمان و اقیانوس هند به شدت مورد توجه بود. در حال حاضر با فروپاشی شوروی و پیدایش کشورهای مستقل در آسیای میانه و خلیج فارس راه مناسبی برای دسترسی کشورهای یاد شده به دریای عمان، اقیانوس هند و سراسر جهان است. از منظر ژئواکونومیک نیز خلیج فارس حدود ۶۵ درصد منابع نفتی و ۳۰ درصد ذخایر گازی دنیا را به خود اختصاص داده است.<sup>۵</sup>

آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان نقطه اتصال شرق آسیا، شرق میانه و اروپا، دارای اهمیت راهبردی و ژئوپلیتیکی بوده و از ذخایر عظیم نفت و گاز برخوردار است. مجموع ذخایر نفتی تایید شده برای کشورهای آسیای مرکزی از ۱۵ تا ۳۱ میلیارد بشکه نفت و ذخایر گازی نیز از ۲۳۰ تا ۳۶۰ تریلیون مترمکعب می‌باشد که این حجم از ذخایر به طور تقریبی ۲/۷٪ ذخایر نفتی دنیا و ۷٪ ذخایر گازی را شامل می‌شود. اگرچه بعضی منابع دیگر ذخایر نفتی را ۱۷ تا ۳۳ میلیارد بشکه ذکر کرده‌اند. از لحاظ پراکنندگی جغرافیایی نیز این ذخایر حایز اهمیت هستند. به عنوان نمونه، قزاقستان در میان کشورهای منطقه دارای بالاترین ذخایر انرژی است. آمار ذخایر این کشور بین ۱۰ تا ۲۲ میلیارد بشکه نفت خام و ۵۳ تا ۸۳ تریلیون مترمکعب گاز می‌باشد.<sup>۶</sup>

### سه. حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حضور ایالات متحده آمریکا در افغانستان

پس از خروج نیروهای شوروی از صفحه شطرنج افغانستان، جنبش طالبان در آن زمان در ازای نقش فزاینده‌ای در منطقه بر اساس حداقل سه عامل اصلی؛ یعنی روابط مبهم با پاکستان، آمریکا و عربستان سعودی شکل گرفت.<sup>۷</sup> صرف نظر از چگونگی روی کار آمدن طالبان و اهداف کشورهای مذکور در شکل‌گیری آنان، طی حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی، آمریکا طالبان را در این جریان متهم نمود و در این راستا به بهانه مقابله با تروریسم به این کشور حمله نمود. برخی از مهم‌ترین اهداف آمریکا از اشغال افغانستان عبارت است از: یک. تسلط بر حوزه خلیج فارس به عنوان بخشی از هارتلند جدید (حمله به عراق در ۲۰۰۳ را می‌توان در ادامه این روند ارزیابی نمود)؛

دو. تسلط بر حوزه آسیای مرکزی و قفقاز با محوریت خزر به عنوان بخش دیگر هارتلند. در این خصوص آمریکا به بهانه مقابله با گسترش بنیادگرایی، زمینه‌های حضور خود را در این منطقه به خصوص از طریق تاسیس پایگاه‌های نظامی فراهم نمود؛

سه. دسترسی به منابع عظیم انرژی منطقه خلیج فارس و کنترل مسیر و خطوط انتقال انرژی از آسیای مرکزی به بازارهای مصرف در آسیای جنوبی، شرق آسیا، جنوب شرق آسیا و اقیانوس هند؛ چهار. کنترل جریان تجارت مواد مخدر؛ و

پنج. مهار بنیادگرایی طالبان‌نویسم و جلوگیری از شکل‌گیری و رشد حرکت‌های اسلامی. علاوه بر اهداف مذکور، آمریکا با حضور در افغانستان فرصت ناشی از کنترل روسیه، چین و ایران را به دست آورده است. اشغال افغانستان این فرصت را در اختیار آمریکا قرار داد تا با استفاده از اهرم‌های اقتصادی، سیاسی - امنیتی، نظامی و فرهنگی، رقبای مذکور را تحت فشار قرار دهد که در ادامه بررسی می‌گردد.

#### الف. موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان برای ایالات متحده آمریکا برای کنترل روسیه و چین

آمریکا از طریق حضور در افغانستان می‌تواند فشارهایی را علیه رقبای خود وارد و اهداف اقتصادی، امنیتی و سیاسی آنان را در افغانستان با چالش مواجه نماید. در این خصوص با توجه به اینکه افغانستان از سمت شمال با جمهوری تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان، از مشرق و جنوب با پاکستان، از سمت شمال شرق از طریق تنگه واخان با ایالت سین کیانگ و از طرف مغرب با جمهوری اسلامی ایران مرز مشترک دارد،<sup>۸</sup> بنابراین با روسیه (از طریق ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان)، چین و ایران از موقعیت جغرافیایی نزدیکی برخوردار گردیده است.

روسیه اهداف مختلفی را در افغانستان دنبال می‌کند. جدای از منافع اقتصادی در بازسازی افغانستان و بهره‌برداری از منابع طبیعی این کشور، یکی از اهداف اصلی روسیه در افغانستان جلوگیری از خروج مواد مخدر از افغانستان است که تهدید بزرگی برای امنیت انسانی و ملی روسیه محسوب می‌شود.<sup>۹</sup>

تقریباً ۲۵ درصد از همه مواد مخدر تولید شده در افغانستان که به میزان چهار تن در روز است،

از طریق مرزهای آسیای مرکزی به روسیه وارد می‌شود. بنابراین مبارزه با مواد مخدر افغانستان یک اولویت بالا در سیاست خارجی روسیه محسوب می‌شود. وضعیت بی‌ثباتی در افغانستان و افراط‌گرایی اسلامی مربوط به طالبان و القاعده که روابط نزدیکی با برخی گروه‌های اسلامی آسیای مرکزی مثل جنبش اسلامی ازبکستان و حزب التحریر تاجیکستان دارند نیز ثبات روسیه و متحدان راهبردی آن در آسیای مرکزی را تهدید می‌کند. برای مقابله با این چالش‌ها روسیه به دنبال ایفای نقش فزاینده‌ای در بازسازی و ثبات افغانستان در سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی است.<sup>۱۰</sup>

۷

چین نیز دارای منافع مختلفی در افغانستان است که عمده‌ترین آن منافع اقتصادی است. حجم تجارت چین و افغانستان از ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ مطابق با جدول شماره یک می‌باشد. صادرات شامل ماشین‌آلات، تجهیزات الکترونیکی، مواد ساختمانی، کالاهای صنعتی، لوازم خانگی و چای سبز است و واردات نیز به‌غیر از مواد معدنی شامل چرم گوسفند، فرش، کتان و ... می‌باشد.

چین در ۲۰۰۷ توانست امتیاز بهره‌برداری از بزرگ‌ترین معدن مس جهان که در ۳۰ کیلومتری جنوب کابل قرار دارد را به‌دست آورد.<sup>۱۱</sup> چین در خصوص سرمایه‌گذاری در معادن مس و آهن در افغانستان علاقه زیادی دارد. برای به‌دست آوردن معادن در افغانستان، چین قصد دارد راه‌آهنی را در شمال کشور از طریق کوه‌های هندوکش به استان غربی آن یعنی سین کیانگ متصل کند. اگر این پروژه تکمیل شود، چین به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار مستقیم در زمینه آهن، آلومینیوم و سنگ مرمر تبدیل می‌شود.<sup>۱۲</sup> چین در سایر زمینه‌ها مثل ارتباطات، پروژه‌های آبیاری، بازسازی بیمارستان‌ها و انرژی نیز سرمایه‌گذاری‌های عظیمی نموده است.

به‌غیر از منافع اقتصادی، چین از یک‌سری منافع سیاسی و امنیتی نیز در افغانستان برخوردار است؛ چراکه از حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا در افغانستان و احساس محاصره راهبردی در نزدیکی مرزهای خود می‌ترسد.<sup>۱۳</sup> از این‌رو چین به دنبال مقابله با خطرات ناشی از محاصره خود توسط آمریکا از طریق افغانستان می‌باشد. یکی از این راه‌ها نزدیکی چین با نیروهای مذهبی پاکستان است. محافل ویژه‌ای در چین به دنبال بهره‌گیری ابزاری از تندروی اسلامی در برابر حضور بلندمدت آمریکا در منطقه بر آمده‌اند و برخی از گروه‌های تندرو را در نوار مرزی، حمایت و پشتیبانی می‌کنند.<sup>۱۴</sup> از دیگر راه‌ها، وارد کردن افغانستان به سازمان همکاری

شانگ‌های می‌باشد؛ چراکه یکی از دغدغه‌های کشورهای عضو سازمان شانگ‌های گسترش تروریسم، افراط‌گرایی اسلامی، و تولید و قاچاق مواد مخدر می‌باشد. این درحالی است که این سازمان نتوانسته است به‌صورت جدی با این مشکلات برخورد کند، لذا ورود افغانستان به سازمان شانگ‌های گزینه مناسب‌تری برای مقابله با این چالش‌ها محسوب می‌گردد.

با عنایت به اهداف روسیه و چین در افغانستان، آمریکا می‌تواند با حضور خود در افغانستان به کنترل رقبای خود مبادرت ورزد و آنان را در رسیدن به اهداف خود در تنگنا قرار دهد. به‌عنوان نمونه، ایجاد اختلال در فرایند سرمایه‌گذاری شرکت‌های اقتصادی روسی و چینی در افغانستان از اهرم‌های فشار اقتصادی آمریکا علیه روسیه در افغانستان می‌باشد. از منظر سیاسی - امنیتی نیز انتقال مواد مخدر به مرزهای چین و روسیه (از طریق آسیای مرکزی) و گسترش بنیادگرایی طالبانیسم به مرزهای غربی چین در ناحیه سین کیانگ و چین‌های مسلمان، از دیگر ابزارهای فشار آمریکا علیه این دو کشور است و از این طریق می‌تواند سازمان همکاری شانگ‌های را در رسیدن به اهداف خود با چالش مواجه نماید. از منظر نظامی نیز آمریکا می‌تواند از پایگاه‌های نظامی‌اش در افغانستان به‌عنوان ابزار تهدیدی علیه این دو کشور استفاده نماید.

#### ب. موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان برای ایالات متحده آمریکا جهت کنترل ایران

جمهوری اسلامی ایران را می‌توان مهم‌ترین قدرت منطقه‌ای در خلیج فارس دانست که از سطح بالای اثرگذاری بر دیگر مناطق جهان برخوردار است. آمریکا برای جلوگیری از قدرت‌یابی بیشتر ایران که سیاست‌هایی مستقل از این کشور دارد، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون در پی ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. کنترل بر افغانستان یکی از اهرم‌های مهمی است که آمریکا می‌تواند از آن جهت فشار علیه ایران استفاده نماید. منافع ایران در افغانستان بیشتر سیاسی است تا اقتصادی. مساله مواد مخدر، مناطق مرزی و رودخانه هیرمند از مهم‌ترین مسائل امنیتی - سیاسی روابط ایران و افغانستان می‌باشد.

افغانستان بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک و هرویین در جهان محسوب می‌شود علاوه بر انتقال این مواد به کشورهای همسایه، انتقال آن به اروپا نیز مورد نظر تولیدکنندگان مواد مخدر در افغانستان

است. از آنجا که انتقال مواد از طریق آسیای مرکزی به اروپا نیازمند عبور از فضای سرزمین چند کشور است، ایران گزینه مناسبی برای تولیدکنندگان مواد مخدر محسوب می‌گردد؛ چرا که انتقال آن از طریق ایران بدون واسطه به ترکیه و سپس اروپا می‌تواند صورت گیرد. علاوه بر کوتاهی مسیر، فضاها تقریباً خالی شرق فلات (کویر پهناور لوت و کویر نمک) بخشی دیگر از این امتیازات است.<sup>۱۵</sup> قاچاق مواد مخدر از افغانستان به ایران هزینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و امنیتی را موجب گردیده است. به‌عنوان نمونه، حجم و هزینه مواد مخدر کشف شده در کشور از سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۹۷ مطابق با جدول شماره دو است. همچنین طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۹ در حدود ۱/۲۰۷ و طی سال‌های ۸۲-۱۳۷۶ در حدود ۸۵۰ نفر از پرسنل امنیتی ایران در راه مبارزه با قاچاقچیان به شهادت رسیدند.<sup>۱۶</sup>

این در حالی است که نیروهای آمریکایی و ناتو در مبارزه با کشت، تولید و صدور مواد مخدر کوتاهی نموده و از آن به‌عنوان ابزاری برای تجارت و همچنین ایجاد فشار علیه دیگر کشورها از جمله ایران استفاده می‌کنند. در این خصوص، دفتر مواد مخدر و جنایت در سازمان ملل متحد گزارش داده است که از زمان تهاجم نیروهای خارجی به رهبری آمریکا در افغانستان، تولید مواد مخدر و قاچاق آن در این کشور افزایش داشته است. این دفتر در گزارش خود اعلام کرده است حدود ۹۵ درصد از مواد مخدر در استان‌های شرقی و جنوبی افغانستان که به‌طور عمده تحت کنترل نیروهای آمریکایی و انگلیسی قرار دارند، کشت می‌شود.<sup>۱۷</sup>

از دیگر اهرم‌های فشار آمریکا علیه ایران، استفاده از مسائل مرزی و قومی است. ایران و افغانستان در چندین ولایت افغانستان و دو استان بزرگ خراسان و سیستان و بلوچستان در خط مرزی بالغ بر ۹۰۰ کیلومتر هم‌مرزند و موقعیت جغرافیایی و مناطق مرزی نیز به‌گونه‌ای است که می‌توان آنها را از جمله مرزهای آسیب‌پذیر به لحاظ امنیتی تلقی کرد؛ زیرا قومیت بلوچ و نیز مذهب تسنن در بخش‌های مهمی از این مرزها گسترده‌اند که بالقوه و بالفعل شکاف‌های قومی و مذهبی با مرکز دارند.<sup>۱۸</sup> در این زمینه آمریکا طبق طرح خاورمیانه جدید در صدد تحت فشار قرار دادن ایران است. ایجاد کشوری به‌نام بلوچستان که تجزیه بخش‌هایی از افغانستان، پاکستان و ایران را شامل می‌گردد، در راستای این طرح است. همچنین، آمریکا با حمایت از عوامل تروریستی در داخل ایران در صدد ناامن نمودن مناطق مرزی ایران است.

آب رودخانه هیرمند نیز طی سال‌های طولانی همواره باعث اختلاف بین دو کشور بوده است و آمریکا از آن به‌عنوان اهرم فشاری علیه ایران استفاده نموده و یا خواهد نمود. به‌عنوان نمونه، در جریان حمله آمریکا برای سرنگونی طالبان در اگوست ۲۰۰۲ به سد کجکی آسیب رسید و باعث بسته‌شدن آن گردید. در این راستا، دکتر پیروز مجتهدزاده با اشاره به اینکه بستن دریچه‌های سد کجکی به تحریک آمریکا بوده و در شرایطی انجام شده که در شرق ایران خشک‌سالی چندین ساله حاکم بوده، آن را اقدامی علیه بشریت خواند.<sup>۱۹</sup> از نظر وی، بحران اصلی زمانی بروز خواهد کرد که هم‌گام با برقراری آرامش نسبی در مرزهای ایران و افغانستان همانند سال ۱۹۴۵ که روند ساختن سد و کانال‌های انحرافی از سوی شرکت‌های آمریکایی بر رودخانه هیرمند آغاز شد، دوباره دولت حاکم در افغانستان درصدد تجدید حیات دریاچه هامون برآید و هیدروپلیتیک افغانی دوباره احیا شود.<sup>۲۰</sup>

در زمینه ارتباطی و اقتصادی نیز با توجه به اینکه افغانستان در انزوای جغرافیایی بوده و دسترسی محدودی به سایر کشورهای جهان دارد، استفاده از مسیر ایران که از امکانات حمل‌ونقل مناسبی برخوردار است و کوتاه‌ترین و باصرفه‌ترین مسیر برای ترانزیت نفت و گاز کشورهای آسیایی مرکزی به دریای آزاد است، گزینه مطلوبی برای افغانستان می‌باشد که البته آمریکا با حمایت از طرح‌های مخالف مسیر ایران، از جمله طرح ترانس افغانستان که شامل ترکمنستان-افغانستان و پاکستان که حتی ممکن است به هند نیز برسد، قصد دور زدن ایران را در این زمینه دارد. همچنین ایجاد سوءظن و بی‌اعتمادی نسبت به سرمایه‌گذاری‌های ایران در بازسازی افغانستان در میان افکار عمومی افغانستان و دولتمردان این کشور و حتی استقبال از سرمایه‌گذاری‌های چین در افغانستان و در واقع ارایه کشوری جایگزین به جای ایران را نیز می‌توان در راستای اعمال فشارهای اقتصادی علیه کشورمان در افغانستان محسوب نمود. حمایت از استقرار حکومت طالبان با دیدگاه جزمی آنها که چالش جدی ایدئولوژیک با انقلاب اسلامی ایران و اندیشه سیاسی حاکم بر ایران دارد<sup>۲۱</sup> نیز یکی دیگر از فشارهای آمریکا علیه ایران بوده است. همان‌طور که در قسمت‌های قبلی آمد، اندیشه جزمی طالبان مورد حمایت آمریکا بوده است و در نتیجه می‌توان آن را به‌عنوان ابزاری فرهنگی - مذهبی علیه جمهوری اسلامی ایران

قلمداد نمود. حضور نظامی مستقیم آمریکا و ناتو در افغانستان نیز یکی دیگر از اهرم‌های فشار برای آمریکا علیه ایران را فراهم نموده است. آمریکا به پایگاه‌های نظامی شیندند در حد فاصل ولایات هرات و فرات دسترسی پیدا کرده است. این پایگاه هوایی از ظرفیت پذیرش جنگنده‌های آمریکایی برخوردار بوده و تا مرز ایران فاصله چندانی ندارد. علاوه بر این، آمریکا در قندهار نیز یک پایگاه نظامی در اختیار دارد و بنابراین نمی‌توان خطرات این حضور نظامی را بر امنیت ملی ایران نادیده گرفت.<sup>۲۲</sup>

۱۱

در پایان لازم است به این نکته اشاره گردد که نباید از نقش روسیه و چین در همراهی با آمریکا در جنگ افغانستان غفلت نمود. این نوع از همکاری‌ها را می‌توان در قالب تاکتیکی و نه راهبرد قلمداد نمود. در زمینه همکاری ایران با آمریکا در جهت حذف طالبان (البته در سطح محدودتر از چین و روسیه) این قضیه نیز صادق است. همکاری ایران و آمریکا در افغانستان یک برنامه تاکتیکی بود و به هیچ عنوان قرار نبود کل راهبرد تغییر کند. ایران در حذف طالبان سیاست خود را دنبال می‌کرد و آمریکا هم یک برنامه دیگری را، منتهی در اینکه طالبان حذف شود، اشتراک نظر داشتند.<sup>۲۳</sup>

#### چهار. ایالات متحده آمریکا و نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز پس از حادثه ۱۱ سپتامبر

در بحث‌های پیشین آمد که آمریکا درصدد تصرف و سلطه بر منطقه هارتلند جدید است و در این راستا درصدد حذف رقبای ژئوپلیتیکی خود، به خصوص روسیه و چین (در بعد جهانی) و ایران (در بعد منطقه‌ای) می‌باشد. حوادث ۱۱ سپتامبر این فرصت را در اختیار این کشور قرار داد تا علاوه بر اشغال افغانستان - به بهانه مقابله با بنیادگرایی اسلامی - حضور خود را در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نیز افزایش دهد و به تکمیل محاصره رقبای خود بپردازد. بسیاری از تحلیلگران حضور آمریکا در افغانستان را در راستای پیوند منافع این کشور در خلیج فارس و آسیای مرکزی قلمداد نموده‌اند.

برژینسکی با توجه به اهمیتی که برای آسیای مرکزی و قفقاز قائل است، اعتقاد دارد کلید نظارت بر اوراسیا نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز است و در نتیجه آمریکا باید بحران‌های این

منطقه را مدیریت کند. وی تاکید می‌کند هر کشوری که بتواند بر آسیای مرکزی و قفقاز تسلط پیدا کند، توانایی مورد تهدید قرار دادن موقعیت آمریکا در خلیج فارس را خواهد داشت.<sup>۲۴</sup> مهم‌ترین اهداف آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز عبارتند از:

یک. دستیابی به منابع نفت و گاز و کنترل استخراج و صدور آن؛

دو. دستیابی به بازارهای منطقه و گسترش تجارت آن؛

سه. حفظ وضع موجود و تقویت نهادهای کشورهای منطقه در راستای اهداف درازمدت خود؛

چهار. مقابله با روسیه، ایران و چین؛

پنج. تحکیم مناسبات امنیتی با کشورهای منطقه؛ و

شش. حضور درازمدت در منطقه.<sup>۲۵</sup>

اصولا یکی از راهبردهای آمریکا برای افزایش هژمونی خود در مناطق مختلف جهانی عبارت است از ایجاد پایگاه‌های نظامی در نقاط هم‌جوار کشوری که به اقدام نظامی علیه آن مبادرت نموده است. به‌عنوان نمونه، این کشور پس از بمباران عراق در ۱۹۹۱، به ایجاد پایگاه‌های نظامی در عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات متحده عربی پرداخت. پس از بمباران یوگسلاوی در ۱۹۹۹ به احداث پایگاه‌های نظامی در کوزوو، آلبانی، بلغارستان، مقدونیه، مجارستان، بوسنی و کرواسی مشغول شد و پس از بمباران افغانستان در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲ نیز در افغانستان، پاکستان، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، گرجستان، یمن و جیبوتی پایگاه‌های نظامی ساخت.<sup>۲۶</sup>

در جریان حمله به افغانستان، قرقیزستان و ازبکستان اولین کشورهایی بودند که حمایت خود را برای استفاده از امکانات خود برای جنگ علیه تروریسم اعلام نمودند. همچنین تاجیکستان نیز اجازه استفاده از فرودگاه بین‌المللی خود را در شهر دوشنبه برای سوخت‌گیری و میزبانی ۱۵۰۰ سرباز فرانسوی اعلام داشت و قزاقستان و ترکمنستان هم پشتیبانی خود را جهت عبور هواپیماها از فضای هوایی خود اعلام نمودند.<sup>۲۷</sup>

حادثه ۱۱ سپتامبر و بهانه آمریکا برای «مبارزه قاطعانه و همه‌جانبه با مساله تروریسم»، این فرصت طلایی را برای تحقق هدف‌های منطقه‌ای این کشور در آسیای مرکزی و قفقاز پس از

جنگ سرد فراهم کرد.<sup>۲۸</sup> لذا بهانه مقابله با تروریسم در آسیای مرکزی، زمینه را برای گسترش روابط نظامی آمریکا با سران این منطقه فراهم نمود و آنان را در پیروی از سیاست‌های آمریکا برای حفظ بقای خود بیشتر متمایل نمود. در این میان، قرقیزستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از لحاظ نظامی نیز به‌عنوان دروازه ورود برای نیروهای آمریکایی محسوب می‌گردد. اما با فروپاشی انقلاب لاله‌ای مورد حمایت غرب و آمریکا در هفت آوریل ۲۰۱۰، به‌نظر می‌رسد این کشور در دستیابی به اهداف خود با چالش‌ها و مواضع جدیدی مواجه گردیده است.

### الف. تحولات قرقیزستان از استقلال تا فروپاشی انقلاب لاله

پس از استقلال قرقیزستان و یک سال قبل از آن یعنی در سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۵، عسگر آقایف ریاست جمهوری این کشور را برعهده داشت. آقایف از آغاز استقلال این کشور تا ۲۰۰۵ میلادی قدرت را به‌دست داشت و درصدد بود تا پایان عمر در مقام ریاست جمهوری باقی بماند. وی در پایان دهه ۱۳۷۰/۱۹۹۰، با برجسته کردن مساله امنیت و تهدید بنیادگران طالبان، کوشید روند تمرکز قدرت در داخل را تحت‌الشعاع قرار دهد.<sup>۲۹</sup> سرانجام زمانی که مخالفان دولت آقایف را به تقلب در انتخابات پارلمانی در قرقیزستان متهم کردند، با توافقی که میان شمال (به‌رهبری فیلیکس کولوف) و جنوب (به‌رهبری باقی‌اف) صورت گرفت، اعتراضات علیه وی وارد مرحله تازه‌ای شد. با فرار آقایف به مسکو در نتیجه تظاهرات و مخالفت‌های ۲۴ مارس ۲۰۰۵ (۴ فروردین ۸۴) موسوم به انقلاب لاله‌ای، دولت وی سقوط کرد و قربان بیک باقی‌اف ریاست دولت موقت را به‌عهده گرفت که سرانجام در تاریخ ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۵ (۱۹ تیر ۸۴) در نتیجه انتخابات عمومی با کسب ۸۹ درصد آراء به ریاست جمهوری رسید.<sup>۳۰</sup>

نقش غرب و به‌ویژه آمریکا را در حمایت از انقلاب رنگی لاله‌ای قرقیزستان (۲۴ مارس ۲۰۰۵) نمی‌توان انکار نمود. البته همان‌گونه که تجربه نشان داده است، سناریوهای مخملی تغییر رهبران در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نه‌تنها هیچ کمکی به ثبات منطقه نکرده، بلکه آن را به مخاطره انداخته است.<sup>۳۱</sup> بسیاری از تحلیلگران منطقه‌ای معتقدند کشورهای این منطقه هنوز فاصله زیادی تا برپایی روندهای دموکراتیک و مردم‌سالارانه دارند.<sup>۳۲</sup>

در واقع به جای هدف ناشی از ترویج دموکراسی، می‌توان مهم‌ترین هدف آمریکا را در حمایت از انقلاب لاله‌ای و دیگر انقلاب‌ها، ایجاد نظام‌هایی هم‌سو با سیاست‌های نظامی‌گری این کشور دانست. در این میان قرقیزستان از طریق الف. همکاری نظامی با آمریکا جهت اجاره پایگاه ماناس و ب. موقعیت ژئوپلیتیکی به‌عنوان همسایگی با چین و نزدیکی جغرافیایی با روسیه، از جایگاه مهمی در راهبرد آمریکا برخوردار است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

### — اهمیت قرقیزستان در راهبرد ایالات متحده آمریکا: بررسی نقش پایگاه نظامی ماناس

هنگامی که در سپتامبر ۲۰۰۱ دولت آمریکا از کشورهای منطقه آسیای مرکزی خواست در جنگ با تروریسم مشارکت کنند، رهبران این جمهوری‌ها خیلی زود پاسخ مثبت دادند.<sup>۳۳</sup> قرقیزستان که در مسیر اصلی انتقال مواد مخدر غیرقانونی از افغانستان به روسیه و سپس به اروپای غربی قرار دارد و همچنین با تهدید بنیادگران طالبان به‌خصوص بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مواجه بوده است، برای مقابله با ناامنی‌ها و تهدیدات مذکور به عوامل خارجی تکیه نمود. در این زمینه پارلمان این کشور در ۲۸ دسامبر ۲۰۰۱ با تاسیس پایگاه نظامی آمریکا در فرودگاه بین‌المللی ماناس، برای یک سال موافقت کرد که در ژانویه ۲۰۰۲ آقایف آمادگی کشورش را برای تمدید قرارداد اعلام کرد.<sup>۳۴</sup> این قرارداد در زمان قربان بیک باقی‌اف نیز تمدید گردید.

بعد از تعطیلی پایگاه نظامی کارشی - خان‌آباد در ازبکستان در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۵، بر اهمیت پایگاه نظامی ماناس افزوده گردیده است. همچنین زمانی که سیاستمداران آمریکایی تصمیم به افزایش تعداد نیروهای نظامی در افغانستان می‌گیرند و در نهایت زمانی که مسیر تامین سنتی از طریق مناطق پاکستان توسط حمله طالبان آسیب‌پذیر می‌گردد،<sup>۳۵</sup> انتظار می‌رود بر اهمیت این پایگاه افزوده گردد.

علاوه بر نقش پایگاه نظامی ماناس در جهت تسهیل در فرایند اشغال افغانستان، این پایگاه می‌تواند از برخی جهات دیگر نیز به‌عنوان ابزاری در دست آمریکا برای تحت فشار قراردادن رقبای خود محسوب گردد. در واقع هدف اصلی واشنگتن از حضور نظامی در قرقیزستان، محاصره، مهار و انزوای روسیه، چین و ایران می‌باشد. حضور آمریکا در پایگاه ماناس، روسیه را

نسبت به امنیت کشورهای مجاور خود نگران کرده است. بسیاری از نمایندگان دوما، سیاستمداران و نظامیان عالی‌رتبه روسی به‌صراحت با حضور نظامی درازمدت آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز مخالف بوده‌اند. از نظر آنها هدف اصلی آمریکا محاصره روسیه می‌باشد.<sup>۳۶</sup>

آمریکا می‌تواند از اهرم مواد مخدر در جهت تحت فشار قرار دادن روسیه، چین و ایران استفاده نماید. به‌عنوان نمونه، به اعتقاد بسیاری از کارشناسان از پایگاه ماناس در قرقیزستان در جهت حمل‌ونقل مواد مخدر از افغانستان توسط نیروهای خارجی استفاده می‌شود.<sup>۳۷</sup>

همچنین این پایگاه که ظاهراً در جهت حمل و انتقال نیروها و تجهیزات نظامی به افغانستان مورد استفاده قرار می‌گیرد، حمایت از عوامل تروریستی را نیز در برنامه‌های خود قرار داده است. به‌عنوان نمونه دستگیری عبدالمالک ریگی، رهبر سازمان تروریستی جندالله در هواپیمای قرقیزی توسط نیروهای امنیتی ایران در چهارم اسفند ۱۳۸۸ و اعترافات او درباره تربیت تروریست‌ها در پایگاه‌های نظامی - از جمله پایگاه ماناس - نمونه‌ای از این امر می‌باشد. به گفته حجت‌الاسلام مصلحی، وزیر اطلاعات ایران، ریگی در آوریل ۲۰۰۸ با فرمانده ناتو در افغانستان که علاقه زیادی به ایده «بلوچستان بزرگ» دارد، دیدار و گفتگو داشت.<sup>۳۸</sup> جندالله مسئول حملات تروریستی در داخل ایران و به‌شهادت رساندن تعدادی از شهروندان است که کمک‌های مالی و نظامی آمریکا را نیز با خود به همراه داشته است.

### – اهمیت قرقیزستان در راهبرد ایالات متحده آمریکا: بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی

شمال و شمال غربی قرقیزستان به قزاقستان، جنوب آن به تاجیکستان، جنوب غربی آن به ازبکستان و جنوب شرقی آن به چین محدود می‌شود.<sup>۳۹</sup> قرقیزستان در ناحیه تیان شان و جنوب شرقی ارتفاعات پامیرآلای قرار دارد.<sup>۴۰</sup> رشته‌کوه‌های تیان شان از غرب تا شرق آسیای مرکزی ادامه یافته و تا درون چین پیش رفته است. کوه‌های پامیرآلای نیز از آسیای مرکزی به سوی افغانستان و چین ادامه یافته است.<sup>۴۱</sup> پیرامون ارتفاعات تیان شان دره فرغانه قرار دارد که از اهمیت ویژه‌ای در آسیای مرکزی برخوردار می‌باشد. این دره بین سه جمهوری تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان تقسیم شده است و به‌لحاظ جمعیتی هویتی اسلامی دارد.<sup>۴۲</sup>

چین و قرقیزستان مرزهای مشترکی با هم دارند و چندین هزار نفر از ایغورهای سین کیانگ چین نیز در قرقیزستان زندگی می‌کنند. ایغورها به مبارزه بلندمدت برای کسب استقلال از چین و ایجاد کشوری مستقل با عنوان ترکستان شرقی که شامل مناطقی از ازبکستان و قرقیزستان می‌باشد، شناخته شده‌اند.<sup>۴۳</sup> بنابراین حمایت از مواضع جدایی طلبان از سوی آمریکا می‌تواند فشارهایی را متوجه چین نماید. علاوه بر این، آمریکا با حضور خود در قرقیزستان به‌عنوان یکی از کشورهای عضو شانگ‌های، می‌تواند در زمینه رابطه این کشور با روسیه، چین و ایران (عضو ناظر) چالش‌هایی را ایجاد نماید و مانع از افزایش نقش این سازمان در معادلات منطقه‌ای و جهانی گردد. انتقال مواد مخدر نیز از طریق قرقیزستان به مرزهای کشورهای رقیب، یکی دیگر از اهرم‌های فشار آمریکا علیه رقبای خود است. به‌عنوان نمونه، بر اساس گزارش ریوریو و بلاگ انگلیسی‌زبان مستقر در روسیه، قرقیزستان به مقصدی برای منبع مواد مخدر تبدیل شده است.<sup>۴۴</sup> از نظر اقتصادی نیز وجود بازار قره سو که به منبعی برای کالاهای چینی تبدیل شده است و همچنین وجود ذخایر طبیعی (طلا، اورانیوم، جیوه و ...) و ذخایر فراوان آب و انرژی، گزینه‌های مناسبی برای سرمایه‌گذاری دیگر کشورها در این کشور می‌باشد که آمریکا می‌تواند فشارهایی را علیه رقبای خود اعمال نماید.

### پنج. فروپاشی انقلاب لاله‌ای قرقیزستان

زمانی که باقی‌اف به ریاست جمهوری قرقیزستان رسید، به‌رغم دادن وعده‌هایی در جهت توسعه سیاسی، بهبود وضعیت اقتصادی و مبارزه با فساد مالی-اداری، نتوانست خواسته‌های مورد نظر مردم را تأمین نماید. وی پس از به‌دست گرفتن قدرت به‌سرعت به سرکوب نیروهای سیاسی مخالف پرداخت. تنها در طی ۲۰۰۹، شش روزنامه‌نگار مورد حمله واقع شدند. تمام رسانه‌ها تحت کنترل دولت قرار گرفتند و به‌ندرت می‌توانستند به انتقاد از سیاست‌های موجود بپردازند. در زمینه اقتصادی نیز باقی‌اف نتوانست به وعده‌های خود عمل نماید. جدول شماره سه وضعیت نامناسب اقتصادی در دوران وی را نشان می‌دهد.<sup>۴۵</sup> این اوضاع درحالی بود که خانواده و نزدیکان باقی‌اف از جمله پسرش ماکسیم، تمام دارایی‌های اقتصادی کشور را تحت کنترل خود داشتند.

باقی‌اف از جهت‌گیری بیشتری نسبت به غرب به خصوص آمریکا برخوردار بود و همین امر در بحران سیاسی اخیر این کشور و سقوط دولت وی نقش عمده‌ای ایفا نمود، به طوری که بسیاری از تحلیلگران حکومت موقت را به مردمان شمال کشور که جهت‌گیری بیشتری نسبت به روسیه دارند، نسبت می‌دهند و با توجه به خواستگاه جنوبی رهبران دولت موقت نظیر اتانبایوا، عمربیک تکیبایف، عظیم بیک نظر بایف، اسماعیل اسحاق، مناطق شمالی از رهبری آنان حمایت نموده، چراکه رهبران دولت موقت ضمن حفظ تعادل در روابط روسیه و غرب تمایل بیشتری را نسبت به روسیه ابراز نموده‌اند. علاوه بر این، روسیه اولین کشوری بود که وعده کمک‌های بشردوستانه به این کشور را داد.<sup>۴۶</sup>

همچنین عدم توجه باقی‌اف به خواسته‌ها و انتظارات مخالفان، آنان را در بسیج مردم به رهبری اپوزیسیونی از سوی جنوب به نام رزا اتانبایوا و در همراهی با شمال کشور علیه سیستم سیاسی برانگیخت. سرانجام به دنبال اعتراضات و تظاهرات گسترده شش تا هشت آوریل ۲۰۱۰ و تصرف نهادهای دولتی، با فرار باقی‌اف به خارج از کشور، شاهد سقوط دولت وی و فروپاشی انقلاب لاله‌ای هستیم. سقوط باقی‌اف مجموعه‌ای از چالش‌ها را فراروی آمریکا جهت حضور در قرقیزستان و متعاقباً افغانستان و همچنین کنترل رقبا فراهم نموده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

### الف. چالش‌های فراروی ایالات متحده آمریکا پس از فروپاشی انقلاب لاله‌ای

پایه‌های نظامی آمریکا در قرقیزستان و متعاقباً حضور در افغانستان و کنترل رقبا پس از فروپاشی انقلاب لاله‌ای قرقیزستان به دلایل زیر در حال شکسته شدن می‌باشد:

یک. مخالفت گروه‌های اسلام‌گرای قرقیزستان با حضور آمریکا در کشورشان و متعاقباً افغانستان: گروه‌های اسلام‌گرای قرقیزستان همواره خواهان مبارزه با نفوذ آمریکا در کشورشان بوده‌اند؛ گروه‌هایی که با گروه‌های اسلامی در افغانستان در ارتباط بوده و حضور آمریکا در کشورشان را تسهیل‌کننده حضور نیروهای نظامی این کشور در افغانستان از طریق پایگاه نظامی ماناس می‌دانند. به عنوان نمونه، از جمله طرح‌های «حرکت اسلامی ترکستان» که در قرقیزستان

فعالیت دارد، یک رشته عملیات خرابکارانه در کشورهای آسیای مرکزی از راه افغانستان بوده است. این جنبش در ۲۰۰۳ مسئولیت دو انفجار در قرقیزستان را به عهده گرفت و برخی اهداف نظامی، از جمله پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه مورد توجه این جنبش بوده است. در چهارم نوامبر ۲۰۰۳ مقامات رسمی قرقیزستان اعلام کردند سه تن از اسلام‌گرایان را که در افغانستان آموزش دیده بودند، به اتهام حمله به پایگاه‌های نظامی دستگیر کرده‌اند.<sup>۴۷</sup> پس از فروپاشی انقلاب لاله‌ای قرقیزستان نیز فرصت ناشی از اوضاع و احوال انقلابی برای گروه‌های اسلام‌گرا به وجود آمد تا خواسته‌های خود مبنی بر خروج آمریکا از کشورشان را مطرح نمایند. به عنوان نمونه، در اواخر فوریه ۲۰۱۲ «کمیته مقاومت مسلمانان» فراخوانی جهت حمله به مرکز حمل و نقل مواد نظامی ماناس و بسته نمودن آن با زور صادر نمود.<sup>۴۸</sup> مخالفت گروه‌های اسلام‌گرا پایه‌های نفوذ نظامی آمریکا در این کشور را سست نمود، به طوری که پس از فراخوان کمیته مقاومت مسلمانان، آتامبایف اعلام نمود با آمریکا جهت خروج از پایگاه ماناس در ۲۰۱۴ به توافق رسیده است.<sup>۴۹</sup>

**دو. اولویت نظامی‌گری به جای دموکراسی خواهی برای آمریکا و بی‌اعتمادشدن مردم قرقیزستان نسبت به این کشور:** یکی از عوامل بی‌اعتمادی مردم قرقیزستان نسبت به سیاست‌های آمریکا، عدم تحقق وعده‌های انقلاب لاله‌ای در زمینه توسعه سیاسی می‌باشد. به عنوان نمونه، بر اساس نتایج تحقیقات سالانه واحد اطلاعات اکونومیست درباره وضعیت دموکراسی در ۱۶۷ کشور جهان در ۲۰۰۶، قرقیزستان رتبه ۱۱۱<sup>۵۰</sup> و در ۲۰۰۸ رتبه ۱۱۴ را به دست آورد. این تقسیم بندی بر اساس پنج شاخص اصلی فرایند انتخابات، کثرت‌گرایی احزاب، آزادی‌های مدنی، عملکرد دولت، مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی می‌باشد.<sup>۵۱</sup> مقابله با آزادی‌های مدنی، تعطیلی ایستگاه‌های رادیویی، برنامه‌های تلویزیونی، مقابله با آزادی‌های مذهبی و فعالان حقوق بشر و مقابله با نفوذ احزاب به عنوان تجسم اراده مردمی نیز به شدت در جریان بود.<sup>۵۲</sup>

این اوضاع در حالی بود که آمریکا از این رژیم به شدت حمایت می‌کرد و روابط گسترده‌ای با آن داشت. تشدید ناخرسندی افکار عمومی جهانی و مردم افغانستان نسبت به سیاست‌های آمریکا در افغانستان مانند بالا رفتن آمار تلفات غیرنظامیان، اهانت به مقدسات مذهبی، افزایش تولید مواد مخدر، عدم تحقق بازسازی اقتصادی افغانستان و تامین امنیت، شکست در حذف

کامل طالبان در افغانستان که متعاقبا بر افکار عمومی مردم قرقیزستان اثرگذار است نیز بر جهت‌گیری مردم این کشور پیرامون اولویت نظامی‌گری به‌جای دموکراسی خواهی برای آمریکا تاثیر مضاعفی داشته و موجب بی‌اعتمادی بیشتر آنها نسبت به سیاست‌های آمریکا شده است. این امر می‌تواند پایه‌های حضور آمریکا را به‌بهانه ترویج دموکراسی و متعاقبا تعقیب اهداف بعدی به‌خصوص نظامی سست نماید.

سه. جهت‌گیری بیشتر دولت جدید قرقیزستان به روسیه: پس از سقوط باقی‌اف، آتامبایف، در انتخابات ریاست جمهوری این کشور که در هشت آبان ۱۳۹۰ برگزار شد، با کسب ۶۵ درصد آراء به ریاست جمهوری این کشور رسید. رییس جمهور جدید قرقیزستان در نخستین اظهارات خود پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری قرقیزستان اعلام کرد: از یک‌سو به‌دنبال نزدیکی روابط خود با روسیه، ایران و ترکیه است و از سوی دیگر، پایگاه نیروهای هوایی آمریکا در خاک این کشور را تعطیل خواهد کرد. به گزارش دویچه‌وله، موفقیت آلمازیک آتامبایف در انتخابات ریاست جمهوری قرقیزستان، پیروزی کاخ کرملین به‌شمار می‌رود. آتامبایف مدعی است پایگاه آمریکایی ماناس ممکن است موجب شود که قرقیزستان هدف حمله نیروهای مخالف آمریکا قرار گیرد.<sup>۵۳</sup>

در سال ۲۰۰۵ روسیه نقش مهمی در فشار به دولت ازبکستان جهت اخراج نیروهای آمریکایی از پایگاه نظامی کارشی - خان‌آباد داشت. در فوریه ۲۰۰۹ نیز که قرقیزستان تصمیم به اخراج نیروهای آمریکایی از پایگاه ماناس گرفت، این امر نیز تحت تاثیر پیشنهاد کمک‌های مالی روسیه به قرقیزستان بود.<sup>۵۴</sup> بدون تردید در این زمان که ریاست جمهوری قرقیزستان تمایل بیشتری به روسیه دارد، روسیه از توانایی بیشتری جهت ترغیب دولت وقت قرقیزستان پیرامون تعطیلی پایگاه ماناس دارد.

سرانجام اینکه پایه‌های نفوذ آمریکا در قرقیزستان در حال شکسته‌شدن است و این امر می‌تواند چالش‌هایی را برای این کشور از جمله یک چالش‌های نظامی در افغانستان به‌دلیل عدم دسترسی به پایگاه ماناس؛ و دو چالش‌های راهبردی جهت کنترل رقبا ایجاد نماید این چالش‌ها آمریکا را به اتخاذ مواضع جدیدی متمایل نموده و یا خواهد نمود که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

### ب. مواضع ایالات متحده آمریکا پس از فروپاشی انقلاب لاله‌ای

از مهم‌ترین مواضعی که آمریکا در زمینه مقابله با چالش‌های نظامی از ناحیه پایگاه ماناس اتخاذ نموده و همچنین درصدد انجام آن است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

یک. به رسمیت شناختن دولت جدید قرقیزستان و ارایه مشوق‌های اقتصادی: به اعتقاد تحلیلگران، علت حمایت نکردن آمریکا از دولت سرنگون شده و دست‌نشانده خود در قرقیزستان نگرانی از تعطیلی پایگاه ماناس بوده است.<sup>۵۵</sup> پس از انتخابات ریاست جمهوری قرقیزستان در اکتبر ۲۰۱۱ نیز اوپاما به مردم و دولت این کشور برای برگزاری انتخابات دموکراتیک و صلح‌آمیز تبریک گفت و پاملا اسپراتلن، سفیر این کشور در قرقیزستان، آمادگی کشورش را برای گسترش روابط تجاری و سرمایه‌گذاری اعلام نمود.<sup>۵۶</sup> آمریکا قصد دارد از طریق مشوق‌های اقتصادی پایه‌های حضور نظامی خود را در این کشور حفظ نماید.

دو. ارایه داده‌های جایگزین برای پایگاه ماناس: مسیرهای جایگزینی که مورد تأکید استراتژیست‌های آمریکایی به جای پایگاه ماناس می‌باشد، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است. هر چند پاکستان از نظر نزدیکی با افغانستان گزینه مطلوبی است، به دلیل حملات طالبان به تجهیزات و نیروهای ائتلاف، این مسیر چندان نمی‌تواند مناسب باشد. به‌عنوان نمونه در هفت دسامبر ۲۰۰۸ تعداد ۷۰ کامیون نظامی نیروهای ائتلاف مورد حمله قرار گرفت. انتقال تجهیزات از ده کشور؛ یعنی آلمان، اتریش، مجارستان، رومانی، بلغارستان، گرجستان، آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان و افغانستان و یا آلمان، اتریش، ایتالیا، ترکیه، گرجستان، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان و افغانستان،<sup>۵۷</sup> مسیر ریگا - بندر بالتیک - روسیه - قزاقستان - ازبکستان،<sup>۵۸</sup> مسیر گرجستان - آذربایجان - دریای خزر - ترکمنستان - افغانستان و به‌طور کلی هرگونه مسیری که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را دربرگیرد، بیشتر مورد نظر می‌باشد.

سه. تمرکز بر جنگ افغانستان: اوپاما در مبارزات انتخاباتی خود اعلام نمود که جنگ در عراق از سوی بوش یک اشتباه بوده و خروج از آن به نفع آمریکاست. وی خواستار تمرکز در جنگ افغانستان گردید و مبارزه با طالبان را که از نظر آنها هنوز در جنوب افغانستان مستقر هستند، بیش از پیش ضروری اعلام نمود و خواستار افزایش نیروهای نظامی در افغانستان گردید.<sup>۵۹</sup> برکناری ژنرال مک

کریستال، فرمانده سابق نیروهای نظامی در افغانستان، و روی کار آمدن دیوید پترائوس را می‌توان در این راستا قلمداد نمود. حوادث قرقیزستان بر اتخاذ این تصمیم؛ یعنی تمرکز بر جنگ در افغانستان، بسیار موثر بوده و شاید آن را تشدید نماید.

چهار. تغییر در تاکتیک و نه راهبرد: از منظر تاکتیکی معضل آمریکا در پایگاه نظامی ماناس و متعاقباً چالش در افغانستان عرصه را برای باز کردن روابط با ایران جهت حل و فصل مسائل افغانستان فراهم نموده است. با وجود این، با ادامه مواضع خصمانه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در زمینه فشار بر مسائل هسته‌ای، افزایش تحریم‌ها و تهدید به حمله نظامی، انتظار نمی‌رود در راهبرد این کشور در مقابله با ایران و جلوگیری از قدرت‌یابی کشورمان تغییری حاصل گردد. همچنین، در مقابله با روسیه نیز آمریکا سعی نموده است در زمینه همکاری پیرامون مسائل متقابل، از جمله طرح سپر موشکی، همکاری متقابل این کشور را در زمینه حل و فصل مسائل افغانستان جلب نماید.

از مهم‌ترین مواضع آمریکا برای مقابله با چالش‌های راهبردی عبارتند از:

یک. تضعیف اتحاد رقبا: آمریکا با ایجاد شکاف در اتحاد میان رقبا بهتر می‌تواند اهداف خود را پوشش دهد. جلب همراهی چین و روسیه در تصویب قطعنامه چهارم شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران را می‌توان در این راستا قلمداد نمود.

دو. تمرکز بازی بر نیمه دیگر میدان: ارایه داده‌های جایگزین برای پایگاه ماناس که در قسمت‌های پیشین به آن اشاره شد، می‌تواند بهانه‌ای دیگر برای این کشور باشد تا بتواند با جلب همکاری‌های بیشتر با کشورهای آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان و ... رقبای خود را از این طریق تحت فشار مضاعف قرار دهد.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله مشخص شد اوراسیا، به خصوص حوزه هارتلند جدید (خزر — خلیج فارس) از اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی آمریکا برخوردار است. اشغال افغانستان از دو جهت، یکی موقعیت ژئوپلیتیکی و دیگری فراهم نمودن زمینه نفوذ در آسیای مرکزی به بهانه مقابله با

تروریسم و جلوگیری از گسترش آن به این حوزه، این فرصت را در اختیار این کشور قرار داد تا حضور خود را در حوزه خزر - خلیج فارس افزایش و متعاقبا از توانایی تحت فشار قرار دادن رقبای خود به خصوص روسیه، چین و ایران برخوردار گردد. در این میان کشور قرقیزستان در راهبرد آمریکا از دو منظر؛ یعنی وجود پایگاه نظامی ماناس و موقعیت ژئوپلیتیکی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. بدون شک جایگاه کلیدی قرقیزستان در سیاست خارجی آمریکا با این نظر برژینسکی که نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز، کلید نظارت بر اوراسیاست، بی‌ارتباط نیست. اما با فروپاشی انقلاب لاله‌ای قرقیزستان، پایه‌های این نفوذ به دلایلی همچون مخالفت گروه‌های اسلام‌گرای قرقیزستان با حضور آمریکا در کشورشان و متعاقبا افغانستان، اولویت نظامی‌گری به جای دموکراسی‌خواهی برای آمریکا و بی‌اعتماد شدن مردم قرقیزستان نسبت به این کشور و جهت‌گیری بیشتر دولت جدید قرقیزستان به روسیه، سست و لرزان شده و این کشور را با چالش‌هایی همچون عدم دسترسی به پایگاه ماناس و به عبارتی، چالش‌های نظامی در افغانستان و چالش‌های راهبردی جهت کنترل رقبا مواجه نموده است و آن را به اتخاذ مواضع مختلفی برای فائق آمدن بر این چالش‌ها وادار نموده و یا خواهد نمود. بدون تردید این چالش‌ها می‌تواند این کشور را وادارد تا برای نظارت بر هارتلند جدید و کنترل رقبا به دنبال گزینه‌های دیگری باشد.

جدول یک. حجم تجارت چین و افغانستان از ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰

سال	صادرات چین	واردات چین	کل
۲۰۰۲	۱۹/۹۱	۰/۸۰	۱۹/۹۹
۲۰۰۳	۲۶/۴۵	۰/۶۱	۲۷/۰۶
۲۰۰۴	۵۶/۹۷	۰/۹۵	۵۷/۹۲
۲۰۰۵	۵۱/۲۱	۱/۵۶	۵۲/۷۲
۲۰۰۶	۱۰۰/۴۷	۰/۱۹	۱۰۰/۶۶
۲۰۰۷	۱۶۹/۰۰	۲/۰۰	۱۷۱/۰۰
۲۰۰۸	-	-	-
۲۰۰۹	۳۶۰/۰۰	۷/۹۹	۳۶۷/۹۹
۲۰۱۰	۷۰۴/۰۰	۱۱/۷۰	۷۱۵/۷۰

Source: Zhao Huasheng, "China and Afghanistan: China's Interests, Stances, and Perspectives," Center for Strategic & International Studies, 2012, p. 7.

جدول دو. حجم و هزینه مواد مخدر کشف شده در ایران (۱۹۹۷-۲۰۰۲)

سال	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷
میزان مواد مخدر کشف شده (برحسب کیلوگرم)	۱۵۰/۵۲۰	۱۳۳/۸۱۶	۲۳۷/۵۸۷	۲۵۲/۱۸۶	۱۹۴/۰۱۴	۱۹۴/۴۴۳
هزینه کشفیات (برحسب میلیون دلار)	۴۵/۱۵۶/۰۰۰	۴۱/۹۴۴/۸۰۰	۷۱/۳۶۷/۱۰۰	۷۵/۶۵۵/۸۰۰	۵۸/۲۰۴/۲۰۰	۵۸/۳۳۲/۹۰۰

منبع: بوالوردی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱.

جدول سه. شاخص های اقتصادی دوران باقی اف (از کل تولید ناخالص داخلی GDP).

شاخص	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷
رشد تولید ناخالص داخلی	-۱/۴	۲/۹	۸/۴	۸/۵
تورم	۸/۰	۶/۵	۲۴/۵	۱۰/۲
بیکاری	-	-	۸/۲	۸/۲
میزان مخارج دولت	۱۹/۰	۱۸/۴	۱۷/۵	۱۷/۱

Source: Gutersloh: Bertelsmann Stiftung, "Kyrgyzstan Country Report," 2012, p.15.

## منابع و یادداشت‌ها:

۱. ژبیگینو برژینسکی، *پس از سقوط (بازی نهایی در جهان تک قطبی)*، ترجمه امیرحسین توکلی، انتشارات سبزان، ۱۳۸۶، صص ۳۵ و ۱۵۲.
2. Michael Klare, "The New Geopolitics," 2009, at: [http:// monthlyreview.org/0703klare. Htm](http://monthlyreview.org/0703klare.Htm)
۳. علی‌اصغر جعفری ولدانی، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱، ص ۱۵.
۴. موسسه ابرار معاصر تهران، *مرزهای ایران*، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر ایران، ۱۳۸۶، ص ۴۹۳.
۵. علی‌اصغر جعفری ولدانی، پیشین، صص ۱۱-۱۲.
۶. محسن فیاضی، «رکابت پیرامون انرژی آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال شانزدهم، دوره چهارم، شماره ۶۰ زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۴۲-۱۴۱.
7. Tiberio Graziani, "U.S. Strategy in Eurasia and Drug Production in Afghanistan," 2010, at: <http://www.vilta.ir/enet.org/article165887.html>
۸. علیرضا علی‌آبادی، *افغانستان*، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳، ص ۳.
9. Ekaterina Stepanova, "Does Russia Want the West to Succeed in Afghanistan?" *Ponars Eurasia Policy Memo*, No. 61, 2009, p. 2, at: [http://www.ponarseurasia.org/sites/default/files/policy-memos-pdf/pepm\\_061.pdf](http://www.ponarseurasia.org/sites/default/files/policy-memos-pdf/pepm_061.pdf)
10. Victor Korgun Moscow, "The Afghan Problem from a Russian Perspective," *Russia and Afghanistan, Resource Security Institute*, No. 80, 2010, pp. 2-3, at: <http://www.css.ethz.ch/publications/pdfs/RAD-80.pdf>
11. Gunjan Singh, "China's Afghanistan Policy," *Research Assistant, IDSA*, 2010, at: <http://www.ipcs.org/article/china/chinas-afghanistan-policy-3040.html>
12. Netsolhost, "Afghanistan's Other Neighbors: Iran, Central Asia, and China," 2008, at: [0303ffd.netsolhost.com/wp./../07-2008\\_Afghanistans\\_Other\\_Neighbors.pdf](http://0303ffd.netsolhost.com/wp./../07-2008_Afghanistans_Other_Neighbors.pdf)
13. Michael Swaine, "China and the Af-Pak Issue," *China Leadership Monitor*, No. 31, 15 February 2010, p. 4.
۱۴. محمدرضا گلکوهی، «ازدهای زرد در افغانستان؛ از توازن تا تقابل»، ۱۳۹۱/۷/۱۱ در: <http://www.payam-aftab.com/fa/news/19033>
۱۵. یدالله کریمی‌پور، *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی و تربیت معلم تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۵۱.

۱۶. مجید بوالوردی، «تولید مواد مخدر در افغانستان و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سیزدهم، دوره چهارم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۸۴، ص ۲۱۲.

۱۷. خبرگزاری پرس تی وی، «نیروهای نظامی خارجی به رهبری آمریکا، حامی تجارت مواد مخدر در افغانستان»، ۱۳۹۱/۹/۲۲، در:

<http://www.presstv.ir/detail/fa/277681.html>

۱۸. علی عبدالله خانی، کتاب امنیت بین الملل (۳)، فرصت ها، تهدیدات و چالش های فراروی امنیت جمهوری اسلامی ایران، انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴، صص ۱۳۵-۱۳۴.

۱۹. موسسه ابرار معاصر تهران، پیشین، صص ۴۷۷-۴۷۵.

۲۰. حبیباله عبدالهی، «دولت سازی در افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران (۱۳۸۵-۱۳۸۰)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷.

۲۱. علی عبدالله خانی، پیشین، صص ۹۵-۹۴.

۲۲. همان، صص ۱۴۱-۱۳۵.

۲۳. سیدرسول موسوی، «سیاست خارجی ایران و افغانستان»، نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی، حسین نوروزی، نسرین مصفا، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵، ص ۲۷۱.

۲۴. محمود واعظی، ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان ها و بازیگران)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۶، ص ۵۸.

۲۵. همان، ص ۱۲۸.

۲۶. ویلیام بلوم، کشتن امید (مداخلات ارتش آمریکا و سیا پس از جنگ جهانی دوم)، ترجمه منوچهر بیگدلی خمسه، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶، ص ۷۶۵.

27. R. Giragosian, "The Strategic Central Asian Arena," 2006, at: [www.silkroadstudies.org/new/docs/CEF/.../Richard\\_Giragosian.pdf](http://www.silkroadstudies.org/new/docs/CEF/.../Richard_Giragosian.pdf)

۲۸. بیژن اسدی، «اثرات حادثه ۱۱ سپتامبر بر ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان، ۱۳۸۱، ص ۷۴۶.

۲۹. الهه کولایی، «ریشه های رخداد های مارس ۲۰۰۵ در قرقیزستان»، افسانه انقلاب های رنگی، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۸۷.

۳۰. علی امیدی و اعظم خانی، «بحران سیاسی قرقیزستان از «انقلاب لاله» تا «انقلاب بی رنگ» از منظر جامعه شناسی سیاسی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۸۹، ص ۲.

۳۱. پرویز قاسمی، «نشست وزیران خارجه شانگهای»، موسسه فرهنگی مطالعاتی روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس)، شماره ۱۱، ۱۳۸۵، ص ۹.
۳۲. علی آدمی، «انقلاب‌های رنگی، نقش عوامل درونی یا دخالت نیروهای بیرونی»، موسسه فرهنگی مطالعاتی روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس)، شماره ۶، ۱۳۸۴، ص ۳.
۳۳. عنایت‌اله یزدانی، «حضور نظامی آمریکا و روسیه در آسیای مرکزی: مورد قرقیزستان»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره‌های ۲۱۷ و ۲۱۸، مهر و آبان ۱۳۸۴، ص ۲.
۳۴. محمود واعظی، «الگوی رفتاری آمریکا و روسیه در فرایند تغییرات سیاسی اوراسیا»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سیزدهم، دوره چهارم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۱۶.
35. *Guardian*, "Closure of U.S. Base in Kyrgyzstan Could Alter Afghanistan Strategy," 2009, at: <http://www.guardian.co.uk/world/2009/feb/03/kyrgyzstan-russia-usa-afghanistan-nato>
۳۶. موسی‌الرضا وحیدی، «حضور نظامی آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز: واکنش روسیه»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۱، ص ۹۷.
37. Anatoly Aliferov, "Coup in Kyrgyzstan, Drugs from Afghanistan, and the US," 2010, at: <http://www.creative-i.info/2010/04/24/coup-in-kyrgyzstan-drugs-from-afghanistan-and-the-us-by-anatoly-aliferov>.
۳۸. خبرگزاری فارس، «مشروح جزییات دستگیری ریگی از زبان وزیر اطلاعات: ریگی در جلسه با فرمانده ناتو نقشه «بلوچستان بزرگ» را می‌کشیدند»، ۱۳۸۸/۱۲/۴، در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8812041343>
۳۹. منیژه تراب‌زاده، اکرم حسین‌پور و دیگران، *ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۱۴۵.
۴۰. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، *آشنایی با جمهوری‌های مستقل آسیای میانه و قفقاز*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۷۹.
۴۱. الهه کولایی، *سیاست و حکومت در آسیای مرکزی*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۶، صص ۱۰-۹.
۴۲. سیدرسول موسوی، «تحولات قرقیزستان و انقلاب لاله‌ای» در: *افسانه انقلاب‌های رنگی*، الهه کولایی، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰.

۴۳. محمود واعظی، پیشین، ص ۷۶.

44. Anatoly Aliferov, op.cit.

45. Gutersloh: Bertelsmann Stiftung, "Kyrgyzstan Country Report," 2012, p. 3, at: <http://www.bti-project.de/fileadmin/Inhalte/reports/2012/pdf/BTI%202012%20Kyrgyzstan.pdf>

46. Irishtimes, "Superpowers Seek Influence on Kyrgyzstan in this Section," 10/April/2010, at: <http://.irishtimes.com/newspaper/opinion/2010/0410/1224268034840.html>.

۴۷. عنایت‌اله یزدانی، پیشین، ص ۹۵.

48. Jim Nichol, "Kyrgyzstan: Recent Developments and U. S. Interests," *Congressional Research Service*, 2012, p. 15, at: <http://www.fas.org/sgp/crs/row/97-690.pdf>.

49. Ibid.

50. Laza Kekic, "The Economist Intelligence Unit's Index of Democracy," 2007, p. 4, at: [http://www.economist.com/media/pdf/DEMOCRACY\\_INDEX\\_2007\\_v3.pdf](http://www.economist.com/media/pdf/DEMOCRACY_INDEX_2007_v3.pdf)

51. "The Economist Intelligence Unit's Index of Democracy," 2008, at: <http://graphics.eiu.com/PDF/Democracy%20Index%202008.pdf>

52. Amnesty, "Kyrgyzstan: Tightening the Screws on Human Rights Activities?" 26/February/2009, at: <http://www.amnesty.org/en/for-media/press-releases/kyrgyzstan-tightening-screws-human-rights-activities-20090226>

۵۳. ایراس، «عزم رییس‌جمهور جدید قرقیزستان برای تعامل نزدیک‌تر با روسیه، ایران و ترکیه»، ۱۳/۸/۱۳۹۰، در:

<http://www.iraneurasia.ir/fa/pages/?cid=18997>

54. Colonel Kurt J. Ryan, "Exploring Alternatives for Strategic Access to Afghanistan," *Strategy Research Project, U. S. Army War College*, 2009, p. 9, at: <http://www.dtic.mil/cgi-bin/GetTRDoc?AD=ADA498262>

۵۵. روزنامه کیهان، «آمریکا برای از دست ندادن پایگاه ماناس دولت جدید قرقیزستان را به رسمیت شناخت»، شماره

۱۹۶۱۸، سال ۶۸، ۱/۲۴/۱۳۸۹، ص ۱۶.

56. Jim Nichol, op.cit., p. 12.

57. Colonel Kurt J. Ryan, op.cit., pp. 13,18.

58. Ben Arnoldy, "Can US Supply Afghanistan War without Kyrgyzstan's Manas

Airfield,” 2010, at: <http://www.csmonitor.com/World/Asia-South-Central/2010/0408/Can-US-supply-Afghanistan-war-without-Kyrgyzstan-s-Manas-airfield>  
59. Anthony Gregory, “What Price War? Afghanistan, Iraq, and the Costs of Conflict,” *The Independent Institute*, 2011, p. 2, at [http://www.independent.org/pdf/policy\\_reports/2011-05-31-what\\_price\\_war.pdf](http://www.independent.org/pdf/policy_reports/2011-05-31-what_price_war.pdf)